

# تحلیل جامعه‌شناختی علوم حدیث

## در عصر صدور<sup>۱</sup>

قاسم ابراهیمی‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

حدیث، به‌عنوان یکی از منابع مهم علوم اسلامی، تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و در قرون اولیه، با زمینه‌های نامناسب فرهنگی مانند شیوع بی‌سوادی و مقاومت‌های سیاسی مثل منع نقل و کتابت، حدیث‌سوزی، جعل، رقیب‌سازی و تهدید و ترور امامان و اصحاب ایشان، کارکردهای آشکار و پنهان متعددی داشته است. در این مقاله با رویکرد جامعه‌شناختی و روش تحلیلی، به دنبال تبیین این مسئله هستیم که در چنین بستر نامناسبی چگونه حدیث و علوم مربوط به آن تکامل یافتند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تغییر زیرساخت‌ها توسط نبی اکرم صلی الله علیه و آله، تغییر شرایط فرهنگی پس از واقعه عاشورا، تضعیف عوامل سیاسی در برخی دوره‌ها، و تحقق ظرفیت‌های معرفتی حدیث و سیاست‌گذاری‌های علمی ائمه علیهم السلام، از جمله ترغیب به روایت و روایت‌گری، کتابت حدیث، آموزش عمومی، ظهور پدیده پرسش‌گری و مناظره، و سیاست‌های اصلاحی مثل عرضه حدیث، استناد و اجازه نقل حدیث در کنار ویژگی‌ها و انگیزه‌های راویان شیعه به‌عنوان عوامل فردی، در مدینه، مکه، کوفه، بغداد، قم، ری و خراسان، موجب غلبه بر عوامل غیرمعرفتی و تکامل علوم حدیث شد.

**واژه‌های کلیدی:** جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی حدیث، سیاست‌گذاری علمی، تاریخ حدیث.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۶ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۵

۲. عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی در موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته؛ ebrahimipoor14@yahoo.com

## ۱. مقدمه

حدیث، به‌عنوان یکی از منابع علوم اسلامی و علوم مربوط به آن، تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. در دوره حضور معصومین، با وجود زمینه‌های نامناسب اجتماعی و فرهنگی از یک سو و مخالفت‌های سیاسی شدید از سوی دیگر، حدیث، تولید و حفظ، و تدوین و ماندگار شد و علوم مربوط به آن تکامل یافت. اینکه حدیث و علوم مربوط به آن به چه میزان تحت تأثیر بستر اجتماعی سیاسی قرار گرفته و چه عواملی به‌صورت علی یا اعدادی در محتوای آن نقش داشته، از جمله سؤالاتی است که با رویکرد روش‌شناسی بنیادین و روش تحلیل اسنادی، بررسی شده است. در تعیین قلمرو پژوهش حاضر نیز تعریف علوم حدیث و گستره زمانی و مکانی آن در دوره صدور ضروری است.

علوم حدیث که اقوال، افعال و تقریرات معصومین را بررسی می‌کند، ابتدا به دو بخش علم روایه و علم درایه تقسیم می‌شد؛ اما به‌تدریج تحقیقاتی صورت گرفت و حوزه‌هایی مثل «جرح و تعدیل»، «غریب‌الحدیث»، «فقه‌الحدیث»، «تراجم» و «تاریخ حدیث»، بر آن افزوده شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۵).

از جهت گستره زمانی و مکانی نیز عصر صدور، از بعثت نبی اکرم ﷺ تا ابتدای غیبت صغری را شامل می‌شود. این دوره، اندیشمندان بسیاری، از جمله اصحاب نبی اکرم و ائمه معصومین، در جغرافیای گسترده‌ای از مکه و مدینه تا کوفه، قم، ری، خراسان و بغداد را در بر می‌گیرد و از جهت سیاسی، با حکومت نبی اکرم ﷺ تا سال یازدهم هجری، دوران خلفا و امیرالمؤمنین (ع) (۱۱-۴۱)، بنی‌امیه (۴۱-۱۳۲) و بخشی از دوره بنی‌عباس (۱۳۲-۲۶۰) مصادف است.

## ۲. پیشینه

تدوین آثار تاریخی در عرصه حدیث از ویژگی‌های دوره معاصر است (مؤدب، ۱۳۸۴، ص ۱۷۰). افراد فراوانی به بررسی تاریخ حدیث پرداخته‌اند؛ از جمله آیت‌الله بروجردی در جامع احادیث الشیعه، علامه عسکری در نگاهی به سرگذشت حدیث، جعفریان در مقدمه‌ای بر تاریخ تدوین حدیث، مهدوی‌راد و عابدی در مقدمه المعجم المفهرس لالفاظ احادیث بحارالانوار، معارف در پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، شانه‌چی در تاریخ حدیث، الغروی در من تاریخ الحدیث، دهقان در درآمدی بر تاریخ تدوین و جوامع حدیثی، مؤدب در تاریخ حدیث، خدایاری، پوراکبر، وفایی و صفره در مجموعه تاریخ حدیث شیعه، غروی نایینی در تاریخ حدیث، طباطبایی در تاریخ حدیث شیعه، و آیت‌الله سبحانی در دور الشیعه. پایان‌نامه‌ها و مقالات فراوان دیگری نیز در این عرصه وجود دارد. اما تحلیل جامعه‌شناختی علوم حدیث، در میان آثار موجود، مورد توجه نبوده است.

### ۳. چارچوب نظری

نظریه منتخب در این پژوهش، روش‌شناسی بنیادین است که نقطه آغاز علم را مسئله می‌داند و عوامل معرفتی و غیرمعرفتی را در ظهور مسائل و نظریه‌های علمی با دو نسبت درونی و بیرونی، مؤثر می‌داند (پارسانیا، ۱۳۹۲). تطبیق این نظریه در محورهای چهارگانه عمق، درجه، عامل مسلط و آماج تعیین، بدین شرح است.

#### ۳-۱. عمق تعیین

کانون علایق و محتوای معرفت، در مورد عوامل معرفتی به‌صورت مطلق و در مورد عوامل غیرمعرفتی، بسته به انواع و شرایط فرهنگی، تحت تأثیر جامعه قرار دارد. کانون علایق یا مسئله، پدیده‌ای است که در اثر ناسازگاری در درون یک مجموعه فرهنگی به وجود می‌آید و به همین دلیل امری نسبی و تاریخی است (همان، ص ۵۵). تلاش‌های بی‌نظیر محدثان در جمع‌آوری، حفظ، تدوین و نشر معارف حدیثی، ناشی از انگیزه قوی ایشان و تحت تأثیر جایگاه معصومین و سخنان ایشان در باورهای آنان بوده است.

محتوای معرفت نیز کاملاً تحت تأثیر عوامل معرفتی است که در عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی حضور دارند. اما نسبت عوامل غیرمعرفتی مثل ویژگی‌های شخصیتی و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، با معرفت در فرهنگ‌ها (همان، ص ۵۴) و تحت تأثیر حکومت‌های مختلف، تفاوت دارد.

#### ۳-۲. درجه تعیین

عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی، لایه‌هایی است که عهده‌دار تفسیر انسان و جهان است (همان، ص ۴۸). از این‌رو عوامل معرفتی، هم در جامعه و در عمیق‌ترین لایه‌های فرهنگی حضور دارند و باید آنها را در زمره عوامل وجودی تلقی کرد؛ و هم تأثیر درونی و محتوایی در نظریه و علم دارند؛ پس باید برای آنها نقش علی قائل شد؛ اما سایر عوامل اجتماعی که در این نظریه، عوامل غیرمعرفتی نامیده شده‌اند، بسته به نوع فرهنگ‌ها، نقش علی یا اعدادی خواهند داشت.

#### ۳-۳. عامل مسلط

از این دیدگاه، نظریه از زمینه‌های معرفتی و زمینه‌های وجودی دیگری که بیشتر جنبه انگیزشی و غیرمعرفتی دارند نیز بهره می‌برد و بلکه تأثیر این‌دست از زمینه‌ها، کمتر از زمینه‌های معرفتی نیست؛ اما باید توجه داشت که تأثیر زمینه‌های معرفتی و انگیزه‌ها و عوامل غیرمعرفتی فردی و اجتماعی در تکوین نظریه‌های علمی، در شرایط فرهنگی و تاریخی مختلف یکسان نیست و دست‌کم این تأثیرات، در همه شرایط، به‌صورتی واحد به رسمیت شناخته نمی‌شوند (همان، ص ۵۴).

در فرهنگ‌هایی که حقایق علمی با صرف‌نظر از معرفت و آگاهی فردی و اجتماعی به رسمیت



شناخته می‌شوند و تأملات عقلی و دریافت‌های شهودی و وحیانی نسبت به آن حقایق در بین نخبگان علمی حضور زنده دارند، تأثیر زمینه‌های معرفتی در آنها فعال‌تر است. در این نوع فرهنگ‌ها زمینه‌های معرفتی، برتری خود را بر انگیزه‌ها و عوامل غیر معرفتی حفظ می‌کنند؛ لکن در فرهنگ‌هایی که به دلیل هویت دنیوی و سکولار خود و تحت تأثیر حس‌گرایی، عالم حقایق را که همان جهان نخست است، محدود و مقید می‌گردانند، دامنه تأثیر عوامل غیر معرفتی افزایش می‌یابد (همان، ص ۵۵).

### ۳-۱-۳. عوامل فردی

یکی از سازوکارهای تأثیر جامعه بر معرفت، تأثیرگذاری بر تکوین شخصیت افراد است. عوامل فردی تکوین یک نظریه، به زمینه‌های شخصیتی نظریه‌پرداز بازمی‌گردد. نبوغ، انگیزه‌های شخصی، زمینه‌های خانوادگی، تجربیات زیستی و خصوصیات روانی، از جمله ابعاد عامل فردی است (همان، ص ۵۱). محیط اجتماعی در کنار عوامل دیگری مثل وراثت، سن، عوامل ماورایی و اموری دیگر، بر شخصیت افراد اثر دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵) و می‌تواند بر خلق و خو، امیال و گرایش‌های فرد اثر بگذارد و او را به‌سوی پذیرش رویکردهای خاصی در معرفت سوق دهد یا مسائل مورد علاقه او را تعیین کند؛ اما هیچ‌یک از این عوامل، سلطه تام بر شخصیت او ندارد و عامل اصلی و غالب، اراده اوست.

### ۳-۲-۳. عوامل اقتصادی

در جهانی که فرهنگ آن بر بنیان‌های معرفتی دنیوی سازمان یافته است، اقتصاد نقش مهمی در فرایند تولید علم ایفا می‌کند؛ زیرا در چنین فرهنگی، عقلانیت و علم، هویت ابزاری پیدا کرده و وسیله سلطه و اقتدار آدمی بر طبیعت است (همان، ص ۵۲)؛ اما در فرهنگ‌های عقلانی، عوامل اقتصادی نقش اعدادی دارند.

### ۳-۳-۳. عوامل سیاسی

فرهنگ دنیوی همان‌گونه که در لایه‌های عمیق خود، رویکردهای حس‌گرایانه را به دنبال می‌آورد، به‌سوی تقدم اراده انسانی بر حقیقت و علم نیز گام برمی‌دارد و به‌تدریج، سیاست را بر ساختار درونی معرفت علمی حاکم می‌گرداند (همان). بر این اساس در دوره‌های مختلف عصر صدور، عوامل تعیین‌کننده و غالب، تفاوت دارند. در دوره‌های کوتاهی که حاکمیت جامعه در اختیار معصومین قرار داشته، نقش عوامل غیر معرفتی، کم‌رنگ شده و در دوره‌هایی که حکومت غصب شده، عوامل سیاسی غلبه یافته است.

### ۳-۴. آماج تعیین

روش‌شناسی بنیادین، همه انواع معرفت را به یک اندازه تحت تأثیر جامعه نمی‌داند. تفاوت



معرفت‌های شهودی و برهانی با معرفت‌های حسی، جدلی و خطابی، و همچنین تفاوت‌های فردی در عرصه‌های انگیزشی و ویژگی‌های شخصیتی در فرهنگ‌های متفاوت، به رویکرد مذکور این ظرفیت را می‌دهد که به معرفت‌های ناب و فرافرهنگی قائل باشد و در خصوص معرفت‌هایی که با نسبت درونی یا بیرونی تحت تأثیر جامعه قرار دارند نیز با رویکرد انتقادی، به بررسی صدق و کذب و نقصان‌های روش‌شناختی آنها پردازد.

#### ۴. ویژگی‌های عصر صدور

از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، حضور معصوم و امکان صدور روایت، کتابت و تدوین آثار حدیثی است؛ زیرا ائمه شیعه از همان ابتدا بر کتابت حدیث اصرار داشتند؛ درحالی‌که بزرگانی از اهل سنت، حتی در اوایل قرن سوم نیز با اکراه و تنها برای بقای حفظیات خود، احادیث را می‌نوشتند و در اواخر عمر خود آنها را از بین می‌بردند (جعفریان، ۱۳۶۸ ب، ص ۵ و ۱۳).  
از اواخر سده دوم هجری، جمعی از محدثین شیعه به منظور مصون ماندن میراث سلف از نابودی، و برای دسترسی آسان اندیشمندان، آثار حدیثی را که تحت عنوان اصل یا کتاب به آنان رسیده بود، به انضمام سایر احادیثی که به نقل شفاهی روایت شده بود، در جوامع حدیثی گردآوری کردند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۴). آثار رجالی، گونه‌ای دیگر از فعالیت‌های حدیثی در این دوره است (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۴۹)؛ زیرا از اواخر قرن دوم، شناسایی راویان (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۸۴) مورد توجه قرار گرفت.

#### ۵. زمینه‌های اجتماعی

در ابتدای این دوره، هم مبانی معرفتی موجود در بنیان‌های فرهنگی، و هم زمینه‌های سیاسی و اقتصادی، علیه علوم حدیث بود و تنها عوامل فردی و ویژگی‌های شخصی نبی اکرم ﷺ در ظهور و پیدایش علوم حدیث تأثیر داشت؛ اما در ادامه، ظرفیت‌های معرفتی حدیثی، بنیان‌های فرهنگی را تسخیر نمود و عوامل سیاسی و اقتصادی نیز در بخش‌هایی از این دوره به حمایت از آن پرداختند یا حداقل از مخالفت با آن دست کشیدند.

عرب قبل از اسلام، بهره‌چندانی از علم نداشت؛ بلکه آگاهی ایشان در حد اطلاعات پراکنده و سطحی، مبنی بر حدس و گمان و شنیده‌ها بود (پیشوایی، ۱۳۹۰، ص ۵۸). در حجاز، تنها هفده نفر از قریش، و در یثرب یازده نفر، توانایی خواندن و نوشتن داشتند (بلاذری، ۱۴۰۴، ص ۴۵۷). تنها امتیاز بزرگ عرب در عصر جاهلیت، شکوفایی شعر و خطابه بود (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۲۰۲). شعرا در بازارهای موسمی، آثار خود را ارائه می‌کردند و برگزیده شدن شعر هر شاعری، موجب فخر و بزرگی او و قبیله‌اش بود و شعرش به نشانه ارزش و اعتبار، از دیوار کعبه آویخته می‌شد (آیتی، ۱۳۵۷، ص ۱۵).



اعراب، به خصوص فرزندان عدنان، حافظه‌های نیرومندی داشتند (سبحانی، ۱۳۷۱، ص ۱۰) که بعدها در حفظ و ضبط حدیث، از آن بهره‌برداری شد؛ اما در کل، این شرایط می‌توانست موجب سلطه عوامل غیرمعرفتی بوده، محتوای علوم حدیث را تحت تأثیر قرار دهد. از این رو نبی اکرم ﷺ به آماده‌سازی زیرساخت‌ها توجه کردند.

## ۶. تغییر زیرساخت‌ها

امر خداوند به نبی اکرم ﷺ برای تبیین قرآن (نحل، ۴۴) و جایگاه حدیث نبوی به‌عنوان کلید فهم قرآن (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۰)، مهم‌ترین عامل معرفتی و تأثیرگذار در شکل‌گیری و صدور حدیث و علوم مربوط به آن است؛ اما برای تحقق این امر، آماده‌سازی زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی، ضروری بود.

فعالیت‌های نبی اکرم ﷺ، کاملاً در مقابل شرایط اجتماعی و با ویژگی‌های فرافرهنگی در یک موقعیت فعال و خواهان تحول بنیادین جامعه و فرهنگ، تحلیل‌پذیر است. نبی اکرم ﷺ، کتابت حدیث را در جهت ترویج و ماندگاری حدیث، لازم می‌دانستند و افراد را به این امر ترغیب می‌کردند. از این رو برای توسعه منابع انسانی قادر به خواندن و نوشتن، اقداماتی را ترتیب دادند؛ از جمله اینکه اعلام کردند اسیران باسواد جنگ بدر، می‌توانند با تعلیم خواندن و نوشتن به ده نفر از اطفال، آزاد شوند (همو، ۱۳۷۱، ص ۲۴۷)؛ دیگر اینکه عباد را مأمور آموزش خواندن و نوشتن قرآن، به برخی از مهاجران ساختند (همان، ص ۲۱۳). تعلیم و تعلم سایر زبان‌ها نیز مورد توجه نبی اکرم ﷺ بود؛ از این رو به زیدبن‌ثابت دستور دادند که خط سریانی را از یهود بیاموزد (همان، ص ۳۱۸). زید زبان‌های فارسی، رومی، قبطی و حبشی را نیز فراگرفته بود (کریمیان، ۱۳۹۰، ص ۹۰).

در صدر اسلام، دانش اسلامی، منحصر به متن قرآن و سخنان رسول اکرم ﷺ بوده و علوم که بعدها پدید آمد نیز با حدیث توأم بود. به همین دلیل، علما از حدیث بهره‌وافر داشتند و حدیث، منبع همه علوم رایج شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵، ص ۲). از این رو پس از گسترش اسلام، صحابه چنان منزلت و اهمیتی یافتند که علاقه‌مندان به احادیث نبوی را برای دیدار ایشان و شنیدن یک حدیث از آنها، به مسافرت‌های متعدد وامی‌داشت (همان، ص ۲۱)؛ و از آنجاکه عنصر اساسی در پیشرفت علم، در سایه ارتباط میان دانشمندان محقق می‌شود (توکل، بی‌تا، ص ۴۱)، این مسافرت‌ها زمینه رشد علوم حدیث را فراهم کرد.

نبی اکرم ﷺ، افراد را به فراگیری، حفظ (ابن‌بابویه، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۵۴۱)، نشر (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۵۰)، روایت‌گری (ابن‌بابویه، ۱۳۶۱، ص ۳۴۷) و نوشتن حدیث (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۴۹) توصیه می‌کردند. امیرالمؤمنین ﷺ نیز این راهبرد را دنبال کردند (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۰۷). از آنجاکه ایجاد انگیزش در دانشمندان و پاداش کافی و مشروع از طرف حامیان آنها، در توسعه علم نقش دارد

(توکل، بی تا، ص ۳۸)، این توصیه‌ها و ترغیب‌ها، افراد بسیاری را مشتاق و آرزومند فعالیت‌های حدیثی کرد و تولید فراوان آثار حدیثی در دوره‌های مختلف را به دنبال داشت. یک نظر ساده به رجال نجاشی، حاکی از تولید آثار حدیثی بسیار (جعفریان، ۱۳۶۸ ب، ص ۱۰)، به‌عنوان کارکرد این راهبرد است. به‌عنوان نمونه، توجه به این روایت راهبردی مناسب است: «هر که برای نفع امت من در کار دینشان، چهل حدیث حفظ کند، خدای متعال او را در قیامت، فقیهی دانشمند برمی‌انگیزد» (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۵۳). بارزترین مصداق «حفظ چهل حدیث»، نوشتن حدیث می‌باشد و تألیف آثار فراوانی تحت عنوان چهل حدیث، شاهدهی بر آن (همان، ص ۱۵۷) و حاکی از ضرورت نوشتن حدیث، در باورهای فرهنگی است.

## ۷. فراز و فرودهای عامل سیاسی و کارکردهای آن

در دوران خلفا، با غلبه رویکردهای مادی، نقش عوامل غیر معرفتی پررنگ شد و سیاست‌گذاری‌های معرفتی تغییر کرد و حوادثی چون حدیث‌سوزی، منع کتابت و نقل حدیث، و جعل حدیث، با حمایت حکومت، ظهور یافت. ابوبکر پانصد حدیث نبوی را به‌بهانه خلاف واقع بودن برخی از آنها، به آتش کشید (ذهبی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳) و مردم را از نقل روایات منع کرد (همان، ص ۷). عمر نیز در ادامه سیاست‌های او (عسکری، بی تا، ص ۲۳) کتاب‌های حدیثی فراوانی را جمع‌آوری کرد و به آتش کشید و از نقل و کتابت حدیث منع نمود (ابن‌سعد، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۸۸). او حتی افرادی را به‌دلیل نقل احادیث نبی اکرم ﷺ، تبعید یا زندانی کرد. منع کتابت حدیث، در زمان عثمان با سخت‌گیری زیاد، شکنجه و تبعید اصحاب (همان، ص ۱۰۰) و نیز در زمان معاویه (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج ۲۶، ص ۳۸۲) ادامه یافت؛ زیرا همواره در جامعه برخی از گروه‌های اجتماعی وجود دارند که نتایج تحقیقات علمی را به‌زیان خود می‌دانند و تلاش می‌کنند که آن را محدود یا محو کنند (توکل، بی تا، ص ۴۳).

### ۷-۱. کارکردهای منع حدیث

این سیاست‌های معرفتی، کارکردهای آشکار و پنهانی داشت. کارکرد آشکار آن به بیان خلیفه ثانی، پیشگیری از مہجوریت قرآن بود؛ اما کارکردی که مؤیدات تاریخی فراوانی دارد، نابودی اموری بود که موضع مخالفان او را تقویت می‌کرد (العاملی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۷). بنابراین کارکرد آشکار این رویکرد، پنهان‌سازی مزایای ستوده اهل بیت علیهم‌السلام و پیشگیری از ایستادگی مردم در برابر بدعت‌ها و کجروی‌ها بود (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۹).

اما ویژگی‌های شخصیتی و اراده محدثان شیعه، در مقابل این سیاست‌ها مقاومت کرد و ایشان به این منع، اعتنا نکردند (الیوسفی الغروی، ۱۴۲۴، ص ۱۴ و ۱۵) و به‌رغم مخالفت‌های رسمی، برخی از صحابه، به نقل (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۹۳) و کتابت حدیث می‌پرداختند (همان، ص ۱۱۳). این روند



در دوره تابعان نیز ادامه یافت. حسینی، ۲۱ نفر، و میانجی، ۳۱ نفر از تابعان صاحب کتاب حدیثی را نام می‌برند که امام سجاد و امام باقر علیهما السلام در رأس آنها قرار دارند (احمدی میانجی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۴۵).

در دوران خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام، رویکرد سیاسی تغییر کرد؛ ایراد خطبه‌های متعدد ایشان و نقل روایات در قالب نامه‌ها و موعظه، توسعه بیشتری یافت و با استقرار ایشان در کوفه و برگزیدن این شهر به‌عنوان مرکز خلافت و حضور صحابه و تابعین در کنار ایشان، کوفه تبدیل به یک مرکز فقه و حدیث شد (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵) و اصحاب پیامبر، آزادانه به تدوین متون حدیثی پرداختند (عسکری، ۱۳۸۶، ص ۵۶). در این دوره، نقش عوامل غیر معرفتی، کم‌رنگ‌تر شد و عوامل معرفتی، غالب شدند.

## ۷-۲. کارکردهای جعل حدیث

معاویه دو راهبرد اساسی عمر، یعنی تداوم اغفال و بی‌خبر نگه داشتن مردم، (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۰، ص ۲۹۱) و جعل حدیث را برگزید. او برای مقابله با احادیث نشر یافته در دهه چهل، جعل حدیث در منقبت عثمان و بعد خلفای اول و دوم و سب و نقص انمه علیه السلام را در پیش گرفت و به تهدید، تبعید و قتل شیعیان مخالف می‌پرداخت (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶). وی همه نیروی خود را برای نابودی نام و نشان پیامبر و خاندانش به کار گرفت و برای رسیدن به هدف خویش، سازمان جعل حدیث را تشکیل داد؛ تا جایی که ابوهریره، بیش از ۵۳۰۰ حدیث، عبدالله بن عمر، بیش از ۲۰۰۰ حدیث، و عایشه و انس بن مالک، هر یک بیش از ۲۳۰۰ حدیث، به دروغ به پیامبر خدا نسبت دادند (عسکری، بی‌تا، ص ۲۹) که نشان از نفوذ عامل سیاسی در معرفت، و تأثیر آن بر اراده جاعلان حدیث است.

از آنجاکه نیازهای اقتصادی و علمی، با روش‌های پیچیده و اغلب متقابلاً سودمند، بر هم اثر می‌گذارند (توکل، بی‌تا، ۳۲)، معاویه هزینه‌های فراوانی برای جعل حدیث می‌کرد؛ مثلاً یک‌صد هزار درهم به سمره بن جندب پیشنهاد داد تا در مذمت امیرالمؤمنین علیه السلام و مدح ابن ملجم حدیثی جعل کند که او نپذیرفت؛ اما با افزایش این مبلغ به چهارصد هزار درهم (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۴، ص ۷۴)، اراده او و معرفت علمی را تحت تأثیر عامل اقتصادی قرار داد.

دوران پرنج امام حسن و امام حسین علیهما السلام، مصادف با سلطه معاویه، و وضعیت حدیث، با رکود نسبی مواجه بود. خفقان، امکان مراجعه به اهل بیت را از بین برده بود و مردم، بیشتر به امثال ابن عمر، عبدالله بن عمرو بن عاص، ابوهریره و عایشه مراجعه می‌کردند. اقامت اکثر شیعیان در کوفه و یمن، و حضور انمه علیه السلام در مدینه نیز از دیگر عوامل کاهش مراجعه به ایشان بود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳). از جمله کارکردهای فرهنگی سلطه طولانی معاویه و سایر حکام بنی‌امیه، می‌توان به تضعیف فرهنگ مذهبی در میان مردم اشاره کرد. لهو و لعب رواج یافته بود و حتی در مدینه نیز خوانندگان و نوازندگان جایگاه خاصی یافته بودند؛ به‌گونه‌ای که مدینه با حضور خوانندگان فراوان، مرکز غنا گشته





بود! اسامی برخی از این خوانندگان، در کتاب *اللاغانی* آمده است (همان، ۱۳۱). این‌گونه شرایط، ارزش‌هایی را بر جامعه حاکم کرد که توانست علم را دچار رکود سازد. در این شرایط، امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> با ترویج مناجات‌های لطیف و پراحساس خود، به مبارزه با فضای رایج فرهنگی و کوشش در نشر معارف اسلامی پرداختند.

### ۷-۳. تغییر شرایط فرهنگی به دنبال واقعه عاشورا

به تدریج در طول سی سال حضور امام سجاد در مدینه و گرایش روزافزون مردم به ایشان، نقش عوامل سیاسی کاهش یافت. حادثه عاشورا موجب شد مردم به مقام قدسی و مظلومیت ایشان پی ببرند. از سوی دیگر، در این دوره بیشتر صحابه رحلت کرده بودند و در میان تابعین نیز چهره موجهی چون امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> وجود نداشت (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵، ص ۲۴). اقدام مردم به گشودن راه برای ایشان به منظور لمس حجرالاسود در حضور عبدالملک بن مروان (مفید، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۵۱)، خروج قاریان از مدینه به منظور همراهی ایشان در حج (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۴۶، ص ۱۴۹) و تشیع جنازه باشکوه آن امام بزرگوار (القرشی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۰) از جمله شواهد تاریخی بر منزلت اجتماعی والای ایشان و غالب شدن نقش امام بر عوامل سیاسی و اقتصادی است.

امام از این وضعیت استفاده کردند و مردم را به خود فراخواندند. ایشان هفته‌ای یک مرتبه در مسجد رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> به موعظه مردم و دعوت آنان به زهد و تقوا و ترغیب به آخرت (ابن شعبه، ۱۳۹۴، ص ۲۵۳) و ترویج حدیث می‌پرداختند.

### ۷-۴. تضعیف عوامل سیاسی و کارکردهای آن

عمر بن عبدالعزیز که کارکرد سیاست‌های قبلی را نابودی دانش و دانشمند می‌دانست، منع کتابت حدیث را در سال ۹۹ لغو کرد و شخصاً به نوشتن احادیث پرداخت؛ همچنین فرمان داد عده‌ای از دانشمندان، احادیث رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را جمع‌آوری و تدوین کنند (ابن سعد، ۱۴۰۵، ج ۸، ص ۴۸۰)؛ اما این سیاست، با استقبال عمومی مواجه نگشت؛ چراکه نهی خلیفه دوم، در فرهنگ آن دوره، از اهمیت بیشتری برخوردار بود. بنابراین در دوران بنی‌امیه، مسئله کتابت حدیث در میان اهل سنت، سر و سامان نیافت و حدیث ایشان تا نیمه قرن دوم، بر نقل شفاهی و حافظه راویان، متکی بود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵، ص ۶۶)؛ زیرا آنها سلطه سیاسی را بیش از شیعیان پذیرا بودند.

اما سرانجام، پدیده‌هایی مثل تقسیم نادرست بیت‌المال، آزار و قتل بی‌گناهان، شکستن حریم مظاهر دینی و حرمت امامان و فرزندان اهل‌بیت، گسترش تجمل‌گرایی و زیاده‌طلبی، می‌گساری و عیاشی (شهیدی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۳) و به دنبال آن، تغییر زود به زود حکام سیاسی در میان بنی‌امیه، یعنی سه خلیفه در مدت ده سال (۹۶-۱۰۵)، و چهار خلیفه در مدت هفت سال (۱۲۵-۱۳۲)؛ افول



بنی‌امیه و عدم تثبیت بنی‌عباس (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۸)، عوامل سیاسی را تضعیف کرد که کارکرد آن، ایجاد فرصتی برای شکوفایی حدیث در عصر امام باقر و امام صادق علیهما السلام، در میان شیعیان و رواج مدارس فقهی و کلامی اهل سنت، و ظهور ابوحنیفه (م ۱۵۰) و مالک بن انس (م ۱۷۹) (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹) و به‌طور کلی ظهور دوران طلایی حدیث بود.

#### ۷-۵. ظهور نظام آموزشی شیعی

رفع منع حدیث، ظهور فرق مذهبی، مواجهه مسلمانان با مسائل کلامی و فلسفی و عجز حاکمان وقت از پاسخ‌گویی، مرجعیت علمی را به ائمه علیهم السلام بازگرداند (جمشیدی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹)؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام (۹۴-۱۱۴) به تدوین حدیث و تربیت شاگردان فراوان پرداختند. این روند، در دوران امام صادق علیه السلام جدی‌تر شد؛ تا جایی که بیش از چهارهزار نفر، از ایشان نقل روایت می‌کردند که بسیاری از آنها صاحب آثار حدیثی بوده‌اند. ابوحنیفه، مالک بن انس و سفیان ثوری، از جمله اندیشمندان غیرشیعی هستند که صاحب تألیفات حدیثی به نقل از امام صادق می‌باشند.

ویژگی‌های شخصیتی برخی از اصحاب به‌عنوان عوامل فردی مهم در این دوره، قابل توجه است. نخبگانی مثل زراره، حمران و هشام که پیشینه شیعی نداشتند، با ذهنی ناآرام و روحی خروشان، برای یافتن پاسخ سؤالات عمیق خود، به سراغ فرقه‌های مختلف مذهبی رفته و در نهایت در برابر ائمه شیعه سر تعظیم فرود آورده بودند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۳). این افراد با طرح سؤالات مهم، تعاملات علمی ویژه‌ای را با ائمه علیهم السلام رقم زدند؛ به‌عنوان نمونه محمدبن مسلم می‌گوید: در پاسخ سؤالاتم از امام سی‌هزار حدیث از امام باقر علیه السلام و شانزده‌هزار حدیث از امام صادق علیهما السلام شنیدم (مفید، ۱۳۴۹، ص ۲۰۱)؛ تا جایی که ابوحنیفه، فقیه عراق و کوفه، و ابولیلی، قاضی کوفه، مستقیم یا غیرمستقیم به حضور محمدبن مسلم می‌رسیدند و مشکلات خود را از او می‌پرسیدند (کشی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۸۵). این دانشمندان نقش مهمی در شکوفایی حدیث داشتند.

ازجمله پیامدهای شرایط فرهنگی و سیاسی جدید، رشد فرقه‌های غالی بود که اغلب آنها بیش از چند دهه دوام نیاوردند (همان، ص ۲۱۷)، اما اقدام به جعل حدیث و دست بردن در کتب حدیثی کردند (همان، ص ۲۲۰).

#### ۷-۶. استراتژی مقابله فرهنگی با تشیع

بنی‌عباس پس از استقرار و تثبیت پایه‌های حکومت، برای جلوگیری از ترویج مذهب تشیع، تقویت اهل سنت و ترویج علوم عقلی (مغنیه، ۱۴۲۶، ص ۱۳۹) را برای مقابله فرهنگی با تشیع، مورد توجه قرار دادند.

ازجمله علل تدوین حدیث در میان اهل سنت در این دوره، می‌توان به نیاز حکومت عباسی به



تبلیغات دینی و توجه ایشان به محدثین و تقرب آنها به دربار و مقابله با مکتب تشیع که در دوره امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام، فرصتی برای نشر حدیث یافته بود، اشاره کرد. عامل سوم هم ترویج و تشویق‌های عملی از ناحیه ائمه شیعه بود که افرادی همچون مالک بن انس از آن الهام گرفتند و جمع‌آوری حدیث را مورد توجه قرار دادند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۲۴ و ۲۵).

سیاست کلی اهل سنت در فرایند تدوین حدیث، این بود که از راویان شیعه و علیه خلفای راشدین، حدیثی نقل نشود. کتاب‌های حدیثی که مبتنی بر این دو راهبرد تدوین شد، «صحیح» نام گرفت و در میان شش کتاب صحیح، صحیح بخاری به دلیل رعایت دقیق‌تر این دو اصل، اعتبار بیشتری یافت؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به این ویژگی بخاری اشاره کرد که از خوارج حدیث نقل می‌کند، اما از امام صادق علیه السلام حدیث نقل نمی‌کند (عسکری، بی تا، ص ۳۸).

نهیض ترجمه و سرازیر شدن اطلاعات فراوانی در زمینه‌های طب، منطق، فلسفه، نجوم، ریاضیات و رشته‌های دیگر، از یونان و دیگر نقاط جهان (دورانت، ۱۳۷۰، ج ۱۳، ۱۷۷-۱۸۸)، رقیب دیگری بود که بنی‌عباس در برابر امامان شیعه، از آن حمایت کردند.

با شکست خوردن راهبرد رقیب‌سازی، بنی‌عباس به سیاست ایجاد خفقان و فشار شدید درباره امامان شیعه و حذف فیزیکی مخالفان روی آوردند. در طول این دوره ۱۱۵ ساله، شش امام معصوم (از امام صادق تا امام عسکری)، شهید، و بسیاری از اصحاب دانشمند ایشان نیز زندانی یا اعدام شدند. علاوه بر امام کاظم علیه السلام که سالیان بسیاری را در حبس بودند و در زندان نیز به شهادت رسیدند، امامان متأخر نیز در تبعید، محاصره و زیر نظر بودند. مأموران حکومتی در این دوره بارها و بارها به منزل ائمه علیهم السلام هجوم بردند و به تفتیش آن پرداختند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۳).

#### ۷-۷. پیروزی تشیع در مقابله فرهنگی

با وجود همه این فشارها، فزونی کمی و کیفی شیعیان، پراکندگی جغرافیایی مناطق شیعه‌نشین در کوفه، قم، طبرستان، خراسان، بغداد، مصر، یمن و دیگر مناطق، بهبود رفاه عمومی و وضعیت مالی شیعیان، ارسال اموالی تحت عنوان خمس و انفاق برای امامان، و تشکیل سازمان وکالت (همان، ص ۲۵۴) زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای رشد علوم حدیث و پیدایش متون حدیثی تحت عنوان «الجامع فی الحدیث» در این دوره ایجاد کرد. در این شرایط، عده‌ای از محدثان، اصول و روایات را بر حسب موضوعات فقهی، تبویب، و جوامع مفصل‌تری تهیه کردند (معارف، ۱۳۷۷، ص ۴۵۵).

یکی از وقایع مهم این دوره، هجرت امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۱ ق به خراسان و پذیرش اجباری ولایتعهدی مأمون است. خراسان در آن دوره، یکی از مراکز مهم حدیثی اهل سنت بود که مشهورترین مصنفین حدیثی اهل سنت، مثل بخاری، ترمذی، مسلم و نسائی را در خود جای داده بود؛ اما تعصب



خراسانیان کمتر از مردم مدینه بود و آمادگی بیشتری برای دریافت معارف اسلامی از امام رضا علیه السلام داشتند. موضوع اصلی احادیث در این دوره، توحید و امامت است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۲).

### ۸. راهبردهای علمی فرهنگی شیعه

معصومان و اصحاب ایشان، برای تأثیرگذاری در جامعه و فرهنگ، و ایجاد بستر مناسب برای ترویج و ماندگاری حدیث، راهبردهایی چون برگزاری جلسات آموزشی و پرسش و پاسخ و مناظره، ترغیب و اقدام به کتابت حدیث، عرضه حدیث، استناد به حدیث و اجازه نقل حدیث را اجرا کردند.

#### ۸-۱. آموزش عمومی

مجالس عمومی، مهم‌ترین شیوه نشر حدیث بود. مجالس علمی در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله، مسجد کوفه، منازل ائمه علیهم السلام و موسم حج برقرار می‌شد (همان، ص ۱۶۰). امیرالمؤمنین علیه السلام در جلسات عمومی، دین و قرآن را به مردم آموزش می‌دادند (ابن ابی‌الحدید، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۹)؛ به‌عنوان نمونه هنگامی که شخصی در خصوص تعریف ایمان از ایشان سؤال کرد، فرمودند: فردا نزد من بیا تا در جمع دیگران به تو پاسخ بدهم تا اگر تو سخن مرا فراموش کردی، دیگری آن را به خاطر بسپارد؛ چراکه گفتار همچون شکار، رمنده است که یکی آن را درمی‌یابد و یکی آن را از دست می‌دهد (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۶).

این راهبرد، موجب تولید نسخه‌های متعدد از احادیث شد و خطر فراموشی حدیث یا بخشی از آن را دفع کرد. علاوه بر حفظ حدیث، ترویج حدیث در سطح فرهنگ عمومی و تأثیرگذاری بر سبک زندگی مردم نیز از دیگر کارکردهای این راهبرد است.

#### ۸-۲. ظهور فرهنگ پرسش‌گری

نقطه آغاز علم، پرسش است. اگر نبودند دانشمندان پرسش‌گر، چه بسا احادیثی که اصلاً مطرح نمی‌شد یا شرح و توضیح آن توسط ائمه علیهم السلام به دست ما نمی‌رسید؛ به‌عنوان نمونه زراره می‌گوید: من بین نماز ظهر و عصر به خدمت امام باقر علیه السلام می‌رسیدم تا در خلوت، سؤالات خود را مطرح کنم (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۹۴)؛ یا هشام می‌گوید: در سرزمین منا از امام صادق علیه السلام پانصد سؤال پرسیدم (همان). این راهبرد، بیشتر موجب صدور و شرح حدیث شده است.

#### ۸-۳. حدیث‌نگاری

نگارش حدیث، راهبردی بود که حدیث را از خطر فراموشی و از بین رفتن، حفظ می‌کرد؛ چنان‌که راویان بزرگی در اهل سنت، به فراموشی چندین هزار حدیث، به دلیل کتابت نکردن آنها اعتراف کرده‌اند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله بیش از پنجاه کاتب حدیث داشته‌اند (احمدی میانجی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰). سایر ائمه معصوم علیهم السلام نیز، هم به نوشتن حدیث توصیه می‌کردند و هم خود، آثار مکتوب در موضوعات



مختلف داشته‌اند (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۸-۸۰)؛ به‌عنوان نمونه حدود یک‌سوم احادیثی که از امام جواد به دست ما رسیده، نوشتاری بوده است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹). نوشتن حدیث به دو صورت نامه‌نگاری و املا هم به‌عنوان مصادیقی از کتابت حدیث، رواج داشته است.

### ۸-۳-۱. نامه‌نگاری حدیثی

در برخی از نامه‌های حدیثی، عباراتی وجود دارد که آن را به یک راهبرد علمی تبدیل کرده است؛ و آن عبارت «هرکس نامه من به دست او برسد» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)، در توصیه‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام به امام حسن و امام حسین، یا عبارت «خطاب به هرکس که نامه من برای او قرائت می‌شود» (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۱۸۶)، در نامه امام به خوارج است که حاکی از توقع حضرت مبنی بر ماندگاری نامه و قرائت آن توسط افراد بسیاری در زمان‌ها و مکان‌های مختلف می‌باشد. رساله حقوق و رساله زهد امام سجاد، رساله‌های امام صادق در غنیمت و خمس، رساله اهوازیه ایشان در پاسخ به فرماندار اهواز، نامه توحیدی امام صادق به مفضل، نامه‌های امام کاظم علیه السلام به علی بن یقظین و عبدالله بن جندب، و نامه‌های امام جواد علیه السلام به علی بن مهزیار، از مصادیق روایت‌هایی است که در قالب نامه ارائه شده است. این راهبرد علاوه بر حفظ و ماندگاری متن حدیث، آن را از تغییر و تحریف به هنگام انتقال به دیگری، حفظ می‌کند.

فشار سیاسی و دسترسی نداشتن به امام در برخی از دوره‌ها، زمینه نامه‌نگاری حدیثی را فراهم کرد. احضار امام جواد در سال ۲۲۰ق از مدینه به بغداد توسط معتصم، محدود بودن ارتباط مردم با امام و نگارش جوامع حدیثی که بسیاری از موضوعات و مسائل مورد نیاز مردم را در بر داشت، و کوتاه بودن مدت امامت امام جواد (حدود هفده سال)، از جمله علل کم بودن احادیث رسیده از آن حضرت (همان، ص ۳۲۰) و نوشتاری بودن بخشی از آنهاست (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۳۱۹).

احضار امام هادی به سامرا در سال ۲۳۳ق، انسجام و تشکیلاتی شدن سازمان وکالت، و فعال شدن دوباره غالیان در مناطقی از ایران، از جمله ویژگی‌های عصر امام دهم است (همان، ص ۳۲۷). طولانی بودن دوره امامت ایشان، وجود برخی سؤالات و شبهه‌های مهم (مثل قدیم یا حادث بودن قرآن) و خلافت کوتاه و غیرمستقر برخی از حاکمان عباسی و پدیداری دوران کوتاه آسایش، فزونی روایات امام هادی نسبت به امام جواد را به دنبال داشت (همان، ص ۳۲۸).

اما خفقان سیاسی، در دوران شش ساله امامت امام عسکری به اوج خود رسید. ارتباط امام با مردم، در مسیری که امام به مرکز حکومت رفت و آمد می‌کرد و بیشتر از طریق وکلا و به وسیله نگارش مکتوبات و توقیعات، صورت می‌گرفت (همان، ۳۳۸).

### ۸-۳-۲. املا

منظور از املا، متونی است که توسط ائمه معصومین علیهم السلام، اصحاب ایشان یا سایر علمای علم حدیث،



قرائت شده و توسط یک یا چند نفر به نگارش درآمده است. یکی از شیوه‌های مهم که موجب بقای روایات نبوی شد، شیوه املا بود (همان، ص ۲۶). پیامبر خود به املائی حدیث (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۶) برای امیرالمؤمنین علیه السلام می‌پرداختند (سمعانی، ۱۴۰۹، ص ۱۲). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «هیچ آیه‌ای از قرآن بر پیامبر نازل نشد مگر آنکه ایشان آن را بر من قرائت کرده، آن‌گاه بر من املا نمود. من نیز آن را به خط خویش نگاهشتم...» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۶۴). بر اساس روایت «وهو عندنا مکتوب باملاء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و خط علی بیده» (مجلسی، ۱۴۱۱، ج ۴۴، ص ۱۰۰)، این متون در اختیار ائمه بعدی قرار گرفته است.

پیروی از این شیوه در میان محدثان، به شکل‌گیری آثاری حدیثی تحت عنوان «امالی» منجر شد. امالی یا مجالس، مجموعه‌های حدیثی است که استاد حدیث، در مجالس متعدد، آن را املا کرده و دیگران نوشته‌اند. اولین کتب امالی، مربوط به اواخر قرن سوم، و شیوع آن در قرن چهارم و پنجم است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۸). امالی نویسی، راهبردی برای تکثیر بدون واسطه نسخ خطی است که از اعتبار بالایی برخوردار بوده و ماندگاری حدیث را به دنبال داشته است. نابودی بسیاری از نسخ خطی و غارت بسیاری از آنها توسط بیگانگان، شاهدی بر اهمیت این روش است. خطرپذیری اندیشمندان برای حفظ نسخ خطی، مثل مرحوم میرحامد حسین که برای نجات یک نسخه خطی، خود را به دریا افکند، و زحمات طاقت‌فرسای کسانی چون مرحوم مرعشی، موجب حفظ برخی از این متون شد؛ متونی هم که توسط استاد، املا شد و دیگران از روی آن نسخه‌برداری کردند، ماندگار گردید و به دست نسل‌های بعدی رسید.

#### ۸-۳-۳. نسخه‌برداری

املائی حدیث، همیشه ممکن نبوده است. از این رو نسخه‌نویسی از روی متون حدیثی، مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت. اقدام علامه مجلسی به ترغیب طلاب به نسخه‌نویسی از روی کتب اربعه در ازای دریافت اجازه نقل حدیث، یکی از مصادیق این راهبرد است که منجر به تکثیر متون خطی و حفظ آنها از نابودی شد.

#### ۸-۴. مناظره

جلسات مناظره که در زمان امام رضا علیه السلام به اوج رسید، بیشتر از سوی حکومت و به‌منظور تضعیف جایگاه ائمه علیهم السلام برگزار می‌شد. مأمون، سالن بزرگی برای مناظره ایجاد کرده بود و افرادی که توانایی مواجهه و مناظره را در خود می‌دیدند، در آنجا جمع می‌شدند و با هم یا با امام بحث می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۳). متون مفصلی درباره مباحثات و مناظرات امام جواد با دانشمندان بزرگ اهل سنت، در دست است (همان، ص ۳۱۹). مناظرات علمی گاهی نیز به‌صورت مکتوب و در قالب ردیه‌نویسی بوده است و کارکرد پنهان آن، پالایش حدیث، پاسخ به شبهات، و ترویج نظر درست در

عرصه فرهنگ بوده است.

#### ۸-۵. عرضه حدیث

عرضه حدیث، یعنی ارائه حدیث به منابع معتبر، به منظور بررسی صحت حدیث، مدلول جدی و یا فهم بهتر آن. قرآن، ائمه علیهم‌السلام، مشایخ حدیث، و عقل، از جمله منابع معتبر معیار سنجش حدیث‌اند. امام باقر علیه‌السلام، محور بودن قرآن در تمامی آموزه‌های خود را متذکر شده، می‌فرمودند: هنگامی که برای شما مطلبی بیان کردم، درباره کتاب خود نیز از من سؤال کنید (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۶۰)؛ یعنی دلیل قرآنی و مطابقت آن با قرآن را از من بخواهید.

این راهبرد از دوران حضور نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جریان داشته و در عصر صادقین علیهم‌السلام گسترش یافته است؛ در عصر امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام، بیشتر رنگ و بوی فقهی گرفته و از عصر امام جواد عرضه مکتوب و حتی عرضه کتب حدیثی رواج یافته و در دوران غیبت صغری، عرضه حدیث از طریق مکاتبه به واسطه نواب خاص و عرضه کتاب‌های حدیثی به علما، صورت می‌گرفت (همان، ص ۲۳۲-۲۳۶).

#### ۸-۶. استناد حدیث

ریشه‌های علم رجال و توجه به سلامت راوی را نیز باید در کلام خدا (حجرات، ۶) و رسول او و روایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام «هنگامی که حدیثی را روایت می‌کنید، آن را به کسی که از او نقل کرده‌اید، نسبت دهید» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۵۳)، و همچنین ستایش‌ها و نکوهش‌های صادقین علیهم‌السلام درباره برخی از اصحاب خود، جست‌وجو کرد. به همین ترتیب، این سیره را امامان دیگر، از جمله امام رضا علیه‌السلام، در معرفی و تکذیب سران واقفه، و امام هادی و امام عسکری در معرفی و لعن غلات عصر خود، تعقیب کردند (کشی، ۱۴۲۴، ص ۹۹۴-۹۹۷).

#### ۸-۷. اجازات

تعیین شیوه‌های تحمل حدیث، راهبردی برای حفظ حدیث است. علمای حدیث، اجازه، به معنای اذن شفاهی یا کتبی به کسی در نقل روایت را، یکی از مهم‌ترین طرق حمل حدیث دانسته‌اند.

حدیث در صدر اسلام، نیازمند توسعه و ترویج بود. به همین دلیل، اذن عمومی برای نقل حدیث وجود داشت. شاهد آن، روایات فراوانی در کتب فریقین، از جمله این روایت نبوی است: «خداوند فردی را که سخن مرا بشنود، در سینه نگه دارد و به کسی که نشنیده برساند، یاری فرماید» (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۲، ص ۳۴۰).

اما در نیمه دوم قرن سوم و نیز در قرن چهارم، اخذ اجازه حدیث، یعنی اذن شفاهی یا کتبی به افراد دارای صلاحیت در نقل روایت، به عنوان یک سیاست جدید متداول گشت؛ زیرا همه افراد، شایستگی لازم برای نقل حدیث را نداشتند. از این رو مشایخ حدیث فقط به افراد دارای صلاحیت، اجازه نقل



روایت می‌دادند؛ اما بعدها که مجامع حدیثی تدوین و منتشر، و انتساب کتب حدیثی به محدثین متواتر گشت، اجازه، بیشتر جنبه تشریفاتی یافت (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۷۴-۸۰).

## ۹. گستره جغرافیایی

در این دوره، مدینه، مکه، کوفه، قم و ری، خراسان و بغداد، به‌عنوان محل زندگی یا فعالیت‌های علمی یا مقصد مسافرت و اقامت محدثین، اهمیت دارند.

### ۹-۱. مدینه

مدینه منوره به‌دلیل اقامت نبی اکرم صلی الله علیه و آله و مرکزیت دعوت ایشان و حضور اصحاب، مرکز علم و حدیث بود و با ابن عباس و سلمان که تربیت‌یافته امیرالمؤمنین علیه السلام بودند، رونق گرفت و در عصر صادقین علیهم السلام به شکوفایی رسید و مسجدالنبی به یک دانشگاه بزرگ تبدیل شد (همان، ۲۱۵). فعالیت علمی حوزه مدینه تا مهاجرت اجباری امام علی النقی علیه السلام بعد از سال ۲۴۳ق، نزدیک به دو قرن و نیم به طول انجامید. در این دوره حضرت علی و امامان بعدی علیهم السلام، به جز دوره‌هایی که در مسافرت بودند یا به امر حاکمان ظالم، زندانی می‌شدند، در شهر مدینه حضور داشتند و شیعیان برای فراگرفتن معارف اسلامی به این شهر رفت و آمد می‌کردند (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۶۹). بعد از مهاجرت امام علی النقی علیه السلام به عراق و شهر سامرا، حوزه علمی مدینه نیز به پایان خود رسید و به جای آن، حوزه‌های قم و بغداد رونق یافتند (همان، ص ۱۰۰).

حلقه‌های درسی مدینه در مکان‌های مختلفی شکل می‌گرفت. معمولاً مساجد، حکم مدرسه داشتند (سبحانی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۰). جلسات آموزشی در زمان پیامبر در مسجد مدینه به‌قدری جذاب بود که نمایندگان قبیله ثقیف از دیدن آن، شگفت‌زده شده بودند (همان، ص ۲۱۰). حلقه درسی امام حسن (حر عاملی، ۱۳۷۸ق، ص ۱۶۰) و امام حسین و امام رضا علیهم السلام (طبرسی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۸) در مسجدالنبی، و حلقه درسی امام سجاد علیه السلام در منزل ایشان تشکیل می‌شد.

اما اقامت در مدینه به‌ویژه برای شیعیان کوفه، با مشکلاتی همراه بوده است و امکان اقامت طولانی، جز برای تعدادی اندک، فراهم نمی‌شد. تنهایی و دوری از اصحاب، حتی برای ائمه علیهم السلام دشوار بوده است (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۳). بنابر برخی روایات، امامان از نبودن یاران خود در این شهر شکایت داشتند و با دیدن شیعیان خود، بسیار خشنود می‌شدند (برقی، ۱۳۲۶، ج ۱، ص ۱۶۳).

### ۹-۲. مکه

مکه بیشتر به‌دلیل ملاقات محدثان و فراهم شدن زمینه دیدار راویان کوفی با ائمه علیهم السلام، به هنگام برگزاری مراسم حج، مورد توجه بوده است. همه‌ساله در موسم حج، بسیاری از شیعیان، با ائمه علیهم السلام ملاقات، و مسائل خود را مطرح می‌کردند (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۴)؛ چنان‌که امام رضا علیه السلام نقل اخبار





ائمہ رضی اللہ عنہم به دیگر شهرها را از فواید حج دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۳۹۶ق، ج ۱، ص ۱۲۶)؛ به‌عنوان نمونه هشام می‌گوید: در منا از امام صادق رضی اللہ عنہ پانصد سؤال پرسیدم و ایشان پاسخ گفتند (کلینی، ۱۳۵۰، ج ۱، ص ۲۶). حلقات درسی در ایام حج، در بین راه مکه و مدینه، در شهر مکه و در چادرهایی (همان، ص ۱۷۱) که هنگام برگزاری مناسک حج بفراشته می‌شدند، دایر بود.

### ۹-۳. کوفه

کوفه از همان آغاز، شهری پررفت‌وآمد و مرکزی برای مباحثات و گفت‌وگوهای علمی بود (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲)؛ اما با استقرار امیرالمؤمنین رضی اللہ عنہ در کوفه (۴۰-۳۶) و برگزیدن آن شهر به‌عنوان مرکز خلافت و حضور صحابه و تابعین در کنار ایشان، کوفه به یک مرکز فقه و حدیث تبدیل شد (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۵). در این دوره هجده‌هزار صحابی در کوفه بودند که حضرت، آنها را در نقل حدیث پیامبر آزاد گذاشت. احادیثی که در صحیح بخاری و مسلم و متونی از این قبیل آمده، مربوط به این دوره است (عسکری، ۱۳۸۶، ص ۵۶).

کوفی بودن اولین شاگردان امام باقر رضی اللہ عنہ و در رأس آنها خاندان اعین، ارتباط علمی کوفیان با امام صادق رضی اللہ عنہ در مدینه، و همچنین حضور دوساله امام در کوفه در عصر خلافت سفاح، موجب شکوفایی مدرسه کوفه شد؛ به‌طوری‌که الوشاء نقل می‌کند که در مسجد کوفه، نهصد شیخ را درک کردم که همگی می‌گفتند: «حدیثی جعفر بن محمد» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۳۷). بر اساس آمار کتاب رجال طوسی، بیش از دوسوم راویان شیعی، کوفی بوده‌اند (شفیعی، ۱۳۸۸، ص ۳۰۵). و بیش از نهصد کتاب در سه قرن اول به راویان کوفی نسبت داده شده که در این میان، ۴۱۰ مورد به حدیث و علوم آن مربوط است (همان، ص ۲۵۴).

سرانجام با مهاجرت امام رضا رضی اللہ عنہ در سال ۱۹۵ق، افول کوفه آغاز شد و با آغاز غیبت صغرا، یعنی نیمه دوم قرن سوم، مرکز علمی کوفه، به پایان خود رسید (رضوی، ص ۱۳۹۶، ص ۱۶۱). ضعیف شدن موقعیت اقتصادی و سیاسی شهر کوفه و رشد اقتصادی و سیاسی شهرهای دیگر عراق مانند بغداد، واسط و موصل؛ رشد و توسعه حوزه علمی بغداد و مهاجرت علما به این حوزه؛ تأسیس و رشد مراکز علمی ماوراءالنهر و خراسان در شرق، و مصر و اندلس در غرب، که مانع از سرازیر شدن طالبان علوم اسلامی از این مناطق به حوزه کوفه می‌شد نیز از جمله علل رکود مرکز علمی کوفه است؛ اما قوت گرفتن واقفیه، مهم‌ترین نقش را در اضمحلال حوزه علمی کوفه داشت (همان، ۱۶۱-۱۶۴).

### ۹-۴. بغداد

منصور بر این باور بود که که دمشق، پایتخت سنتی امویان، و کوفه، مرکز ثقل شیعیان، مناسب مرکزیت حکومت تازه‌تأسیس عباسیان نیستند. از این‌رو شهر بغداد را در سال ۱۴۹ق بنیان نهاد



(مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۸۳). بغداد در مدتی کوتاه، محل حضور اندیشمندان بسیاری شد و به یک مرکز علمی، فقهی و حدیثی تبدیل گردید و در قرن سوم مرکزیت علمی فرهنگی را به خود اختصاص داد. علاقه خلفای عباسی (منصور، هارون و مأمون) به علم، تأسیس بیت‌الحکمه، حضور علمای شیعه و سنی در بغداد، اختصاص یافتن سمت‌های حکومتی از جمله وزارت و دبیری به شیعیان، جلب و احضار برخی از امامان به عراق و شهرهای آن از جمله بغداد و سامرا در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم (مظفر، ۱۳۶۸، ص ۱۴۴)، دفن امام موسی کاظم علیه السلام در سال ۱۸۳ و امام جواد علیه السلام در سال ۲۲۰ در کاظمین (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۳)، و همچنین حضور جدی سازمان وکالت ائمه علیهم السلام و نواب اربعه در بغداد، انگیزه کافی برای حضور شیعیان و اندیشمندان دیگر مذاهب را در این شهر فراهم آورده بود.

### ۹-۵. قم و ری

شهر قم از پایان قرن اول، یکی از مراکز مهم شیعیان به حساب می‌آمد و اولین شهر شیعیان در منطقه فارس بوده است (جعفریان، ۱۳۶۸ الف، ص ۱۱۷) که از اهل تسنن کسی در آنجا حضور نداشت (حموی، ۱۳۹۹ ج ۴، ص ۳۹۷). دوری از مرکز خلافت و نداشتن امتیاز خاص اقتصادی و جغرافیایی، بی‌توجهی حاکمان به این شهر را در پی داشت و به همین دلیل، فضایی آرام و مناسب برای گسترش تفکر شیعی و پناه گرفتن اهل بیت بود. وجود آرامگاه حدود چهارصد امامزاده در قم و پیرامون آن، شاهدی بر این مدعاست (طباطبایی، ۱۳۹۰، ص ۷۴).

اما آنچه به تاریخ حدیث مربوط می‌شود، به نیمه دوم قرن دوم هجری بازمی‌گردد. مجموع اصحاب صادقین علیهم السلام که با تعبیر قمی مشخص شده‌اند، از ده نفر تجاوز نمی‌کند؛ اما از دوران امام هشتم، کثیری از راویان شیعه را اهالی قم تشکیل می‌دهند (معارف، ۱۳۷۷، ص ۳۷۶).

دوره اول شکوفایی این حوزه از اواخر دوره امامت امام موسی کاظم علیه السلام تا اوایل غیبت کبری را در بر می‌گیرد. مرکز قم در این دوره، تعامل گسترده‌ای با سایر حوزه‌ها داشته و حلقه اتصال حوزه مدینه، کوفه و بغداد محسوب می‌شد. قم همچنین با شهرهای دیگری همچون آوه، کاشان، ری، قزوین، اصفهان، همدان، اهواز، شیراز، نیشابور، بلخ و ایلاق، مرو، سمرقند، کش و... نیز ارتباط داشت (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۲۱۴ و ۲۱۵).

یک‌دست بودن جامعه و شیعه بودن همه ساکنان شهر قم، حداقلی بودن اختلافات فرقه‌ای، حضور قوی ۱۴۷ نفر از اصحاب ائمه علیهم السلام در این شهر، و مبارزه علمی و عملی با فرقه‌های مدعی تشیع مثل واقفیان و غالیان، از ویژگی‌های بارز حوزه علمیه قم است (همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱). برخی حوزه فقهی - حدیثی قم و ری را با هم، جانشین مکتب کوفه دانسته‌اند (جباری، ۱۳۸۴، ص ۴۸ و ۱۱۹).

مهاجرت خالدبن عبدالرحمن و پس از او اشعریون به دلیل خشونت‌های حجاج، از کوفه به قم، موجب شد قم، ری، کاشان و شهرهای نزدیک به آنها، به یک مرکز حدیثی مهم و پناهگاه همه کسانی

تبدیل شود که از ظلم اموی‌ها و عباسی‌ها به ستوه آمده بودند (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۸). احمدبن محمد بن عیسی که از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم‌السلام است، مدتی ریاست حوزه حدیثی قم را بر عهده داشت. دقت و سخت‌گیری او در نقل حدیث موجب اخراج و تبعید محدثان مشهوری چون سهل بن زیاد، محمد بن علی صیرفی و برقی از قم شد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۳). در سال ۲۵۰ نیز ابراهیم بن هاشم کوفی، از اصحاب امام هادی علیهم‌السلام و شاگرد یونس بن عبدالرحمان، از اصحاب امام رضا علیهم‌السلام، به قم مهاجرت کرد و احادیث کوفیان را در آنجا نشر داد. مدرسه قم پس از این، با ظهور محدثان بزرگی به شکوفایی رسید.

قم در این دوره، تحت تأثیر عواملی همچون انتخاب ری، اصفهان و شیراز به عنوان پایتخت دولت شیعی آل‌بویه و دعوت دولت از علمای قم و مهاجرت آنها از قم، استقرار نایبان خاص در بغداد، تک‌بعدی بودن حوزه قم در اتکا به حدیث و کم‌توجهی به کلام، افول یافت (رضوی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۵ و ۲۳۶).

#### ۶-۹. خراسان بزرگ

خراسان بزرگ که خراسان فعلی، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان را شامل می‌شد، مرکز حدیثی مشترک، و در این میان مرو، سمرقند و کش، مرکز حدیثی شیعه بود (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱). توجه راویان سنی به روایات امام رضا علیهم‌السلام در این منطقه، قابل توجه است. شاید به دلیل همین توجه بوده که امروزه بعد از روایات امام علی علیهم‌السلام، روایات امام رضا علیهم‌السلام در متون عامه، بیش از روایات دیگر امامان است (غلامعلی، ۱۳۹۲، ص ۲۲۰).

حضور پررنگ اهل سنت در منطقه ماوراءالنهر، تأثیرات فراوانی بر محدثان شیعه داشته است؛ نگارش کتاب‌های حدیثی به سبک محدثان اهل سنت، مثل رجال کشی، و جهت‌گیری معتدلانه محدثان شیعه به منظور جلوگیری از خرده‌گیری‌های مخالفان، از آن جمله است؛ مثلاً تشیعی که عیاشی در سمرقند ترویج کرده، ضمن اینکه از مسلمات شیعی یک قدم عقب ننشسته و فقه و اندیشه کلامی شیعه در حقانیت امامت ائمه علیهم‌السلام را به‌خوبی تبیین کرده، اندیشه‌ای کامل، همراه با اعتدال و مدارا با دیگر مذاهب را در پی داشته است. سومین اثرپذیری، گردآوری روایات عامه به منظور ابراز همزیستی مسالمت‌آمیز یا نقد روایات عامه است (همان، ۲۱۵-۲۱۷). عیاشی به شکرانه شیعه شدنش، تمام ارث پدری خود را که بالغ بر مبلغ سیصد هزار دینار بود، در نشر علوم اهل بیت علیهم‌السلام در سمرقند هزینه، و خانه‌اش را نیز به مدرسه تبدیل کرد (ابن داوود، بی تا، ۱۸۴، ش ۱۵۰۲).

#### ۱۰. عوامل فردی

از آنجاکه در این دوره، معصومین و سپس جمع کثیری از اصحاب ایشان، حضور دارند، بررسی



تأثیر تک تک آنها غیرممکن است. بنابراین انگیزه‌ها و ویژگی‌های کلی محدثین در این دوره را بررسی می‌کنیم.

نیاز مسلمین به احادیث در امور دینی و تشویق رسول اکرم ﷺ به ضبط حدیث و نقل برای آیندگان، محرک اصلی مسلمانان برای فراگیری و جمع و نقل اخبار و احادیث بود (مطهری، ۱۳۹۲، ج ۱۴، ص ۴۱۱). ظهور مسائل جدید و پرسش‌گری نیز یکی دیگر از عوامل شکوفایی حدیث در عصر حضور است. پرسش‌های فراوان امیرالمؤمنین ﷺ از نبی اکرم ﷺ (فیض الاسلام، ۱۳۵۱، خطبه ۲۱۰) و پرسش‌های افراد عادی و اصحاب و اندیشمندان از ائمه ﷺ و همچنین پرسش‌هایی که در جلسات مناظره مطرح می‌شد، از آن جمله است.

به دلیل جایگاه والایی که ائمه معصوم ﷺ در نظر شیعیان داشته‌اند، بدیهی است که اصحاب ایشان به ثبت و ضبط اقوال و افعال آنان حریص باشند (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۸۱)؛ تا جایی که در قرن دوم و اوایل قرن سوم برای نشر (همان، ص ۱۹۴) و شنیدن احادیث ائمه ﷺ، مسافرت‌های متعدد با اقامت‌های طولانی به مدینه (همان، ص ۱۸۸)، مکه، کوفه، خراسان و بغداد داشته‌اند. بسیاری از افراد نیز به صورت خانوادگی به حدیث اهتمام داشته‌اند که آل ابی‌شعبه، آل حیان و آل اعین از آن جمله‌اند (همان، ص ۱۹۵). دکتر شوقی ضیف می‌نویسد: توجه شیعه به نوشتن، بسیار قوی بوده است و علت آن، اعتقادی بوده که آنها در مورد ائمه ﷺ خود داشته‌اند؛ اعتقاد به اینکه آنها هادی و مهدی بوده و باید به تمام فتاوی آنها ملتزم شد (ضیف، بی تا، ص ۴۵۳). اهمیت تلاش اصحاب ائمه ﷺ در ترویج و ماندگاری احادیث، به اندازه‌ای است که امام صادق ﷺ در خصوص یکی از اصحاب خود به نام زراره، می‌فرماید: «اگر زراره نبود، احادیث پدرم از دست رفته بود» (کلینی، ۱۳۵۰، ص ۳۹۰).

تورع در نقل حدیث، مشارکت در تدوین حدیث به منظور دقت بیشتر، اهتمام به کشف احادیث جعلی، اهتمام به تألیف جوامع حدیثی اولیه، توجه هم‌زمان به حدیث و فقه که منجر به ظهور اندیشمندانی تحت عنوان محدث فقیه شد، منزلت والای محدثان شیعه در نظر اهل تسنن و نقل حدیث از شیعیان، بررسی احوال راویان و جرح و تعدیل ایشان، از جمله ویژگی‌های محدثان شیعه است (سبحانی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵-۲۱۴).

### میزان ارتباط اصحاب با ائمه معصوم ﷺ

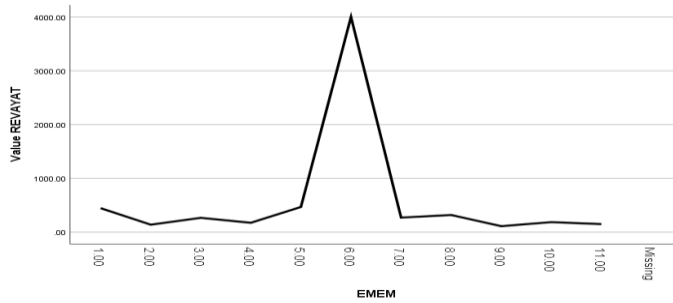
یکی از شاخص‌های مهم در بررسی بستر اجتماعی سیاسی دوره حضور ائمه ﷺ، تعداد راویان و روایات صادرشده از ایشان است. بنابر تحقیقی که فقط در سطح کتب اربعه صورت گرفته است، از امام کاظم ﷺ، رقمی در حدود ۱۲۰۰ حدیث، از امام رضا ﷺ در حدود پانصد حدیث، و از امام جواد و امام هادی و امام عسکری ﷺ هر یک کمتر از صد حدیث در دست داریم؛ و این در شرایطی است که احادیث امام باقر و امام صادق ﷺ در مجموع از ده‌هزار تجاوز می‌کند که بیشتر آنها از امام صادق ﷺ



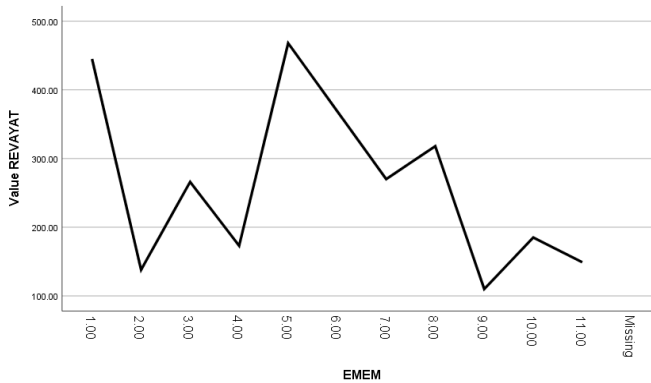
روایت شده است (بهبودی، ۱۳۷۰، ص ۲۸-۳۰). بنابراین بیشترین روایات شیعه، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، و پس از ایشان، متعلق به امام کاظم و امام رضا علیهما السلام است. تعداد روایان ائمه معصومین علیهم السلام را نیز در جدول ذیل ببینید.

امامان	علی	حسن	حسین	سجاد	باقر	صادق	کاظم	رضا	جواد	هادی	حسن
روایان	۴۴۵	۱۳۸	۲۶۶	۱۷۳	۴۶۸	۴۰۰۰	۲۷۰	۳۱۸	۱۱۰	۱۸۵	۱۴۹

نمودار تعداد روایان هر امام



برای روشن‌تر شدن نسبت روایان سایر امامان، لازم است روایان امام ششم علیه السلام را تعدیل کنیم که نتیجه آن نمودار زیر خواهد بود.



همان‌طور که این نمودار نشان می‌دهد، بیشترین روایان، پس از امام ششم علیه السلام، مربوط به امامان اول، سوم، پنجم، هشتم و دهم علیهم السلام می‌باشد؛ یعنی ارتباط اصحاب با ائمه علیهم السلام در این دوره‌ها بیشتر بوده است. اما بیشترین روایات شیعه از امامان پنجم، ششم، هفتم و هشتم علیهم السلام است (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۷، ص ۱۰۹) که با تعداد روایان هر یک از ائمه علیهم السلام، غیر از امام اول علیه السلام، هماهنگ است. بنابراین سؤال این است که با توجه به فزونی روایان امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به امامان هفتم و هشتم، چرا تعداد



روایات آن حضرت، کمتر از آن دو امام بزرگوار است؟

تعداد راویان، شاهد خوبی بر وضعیت سیاسی اجتماعی هر دوره است؛ اما باید توجه داشت کیفیت راویان را نیز نمی‌توان نادیده گرفت؛ مثلاً از مجموع سی صد نفر از اصحاب امام رضا علیه السلام که نام آنها در دست است، حدود چهل نفر، شاخص و تأثیرگذار در حدیث هستند؛ در حالی که در میان ۳۳۰۰ نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام، تنها نام پنجاه نفر فرد شاخص و برگزیده به چشم می‌خورد. این نسبت، نشانه حضور بیشتر افراد ویژه و نابغه در بین اصحاب امام رضا علیه السلام است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۸).

### ۱۱. نتیجه‌گیری

فضای فرهنگی و رویکردهای سیاسی در بسیاری از زمان‌های این دوره سبب غلبه عوامل غیر معرفتی بر محتوای معرفت حدیثی در میان اهل سنت شد؛ اما در میان تشیع به دلیل حضور معصومین و ویژگی‌های شخصیتی اصحاب ایشان، دخالت عوامل اجتماعی و سیاسی به حداقل رسید؛ هرچند برای حفظ، ترویج و ماندگاری حدیث، نیازمند ایجاد عوامل اجتماعی و سیاسی مناسب به عنوان عوامل زمینه‌ای و اعدادی بودند. از این رو راهبردهای علمی و فرهنگی، از جمله ترغیب به حفظ و کتابت حدیث، برگزاری جلسات آموزشی، توجه به نظام استناد و اموری از این قبیل، تدوین و اجرا شد. بنابراین مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه حدیث در این دوره، حضور معصومان، ظرفیت‌های معرفتی خود حدیث، اصحاب و اشتیاق فراوان ایشان به فراگیری، حفظ و تدوین و ترویج حدیث و فراهم نمودن شرایط فرهنگی و سیاسی به عنوان عوامل زمینه‌ساز بوده است.



## منابع

### قرآن کریم.

- نهج البلاغه، ۱۳۵۱، ترجمه و شرح فیض الاسلام، تهران، بی‌نا.
۱. آیتی، عبدالمحمد، ۱۳۵۷، *معلقات سبع*، تهران، سازمان انتشارات اشرفی.
  ۲. ابن ابی الحدید، بی‌تا، *شرح نهج البلاغه*، ج ۴، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیه.
  ۳. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۵۴، *خصال*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
  ۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶ق، *عیون اخبار الرضا*، تهران، کتابفروشی اسلامیه.
  ۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
  ۶. ابن داوود، بی‌تا، *الرجال*، تحقیق آل بحر العلوم، تهران، دانشگاه تهران، ص ۲۵.
  ۷. ابن سعد، ۱۴۰۵، *الطبقات الكبرى*، بیروت، دار بیروت.
  ۸. ابن شعبه، حسن بن علی، ۱۳۹۴، *تحف العقول عن آل الرسول*، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
  ۹. الشافعی، ابوالقاسم علی بن الحسن بن هبه الله بن عبدالله، معروف به ابن عساکر، ۱۴۱۵، *تاریخ مدینه دمشق*، ج ۲۶، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالفکر.
  ۱۰. احمدی میانجی، علی، ۱۳۷۷، *مکاتیب الرسول*، قم، دارالحدیث.
  ۱۱. برقی، احمد بن محمد، ۱۳۲۶، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
  ۱۲. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ۱۴۰۴، قم، منشورات مکتبه الارمیه.
  ۱۳. بهبودی، محمدباقر، بهمن ۱۳۷۰، «علم رجال و مسئله توثیق»، کیهان فرهنگی، شماره ۸۰، ص ۲۸-۳۰.
  ۱۴. پارسانیا، حمید، «نظریه و فرهنگ»، در: *بومی‌سازی جامعه‌شناسی، مجموعه مقالات*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۱-۶۲.
  ۱۵. پیشوایی، مهدی، *تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام*، قم، نشر معارف، ۱۳۹۰.
  ۱۶. توکل، محمد، ۱۳۷۰، *جامعه‌شناسی علم*، بی‌جا، بی‌تا.
  ۱۷. تهرانی، آقابزرگ، ۱۴۰۳، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت، دار الاضواء.
  ۱۸. جباری، محمدرضا، ۱۳۸۴، *مکتب حدیثی قم: شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری*، قم، زائر.
  ۱۹. جعفریان، رسول، ۱۳۶۸، *تاریخ تشیع در ایران*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر.
  ۲۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۸، *مقدمه‌ای بر تاریخ تدوین حدیث*، قم، فواد.
  ۲۱. جمشیدی، اسدالله، ۱۳۸۶، *تاریخ حدیث*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
  ۲۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۷۸ق، *الفصول المهمه فی اصول الائمه*، نجف، مطبعه الحیدریه.
  ۲۳. حموی، یاقوت، ۱۳۹۹ق، *معجم البلدان*، بیروت، دار البیروت.
  ۲۴. خدایاری، علی نقی و الیاس پوراکبر، ۱۳۸۵، *تاریخ حدیث شیعه در سده‌های هشتم تا یازدهم هجری*، قم، دارالحدیث.

۲۵. دورانت، ویل، ۱۳۷۰، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۶. ذهبی، محمد، بی تا، تذکرة الحفاظ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۷. رضوی، رسول، ۱۳۹۶، تاریخ کلام امامیه، قم، دارالحديث.
۲۸. سبحانی، جعفر، ۱۳۷۱، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۹. \_\_\_\_\_، ۱۴۳۱ق/ ۱۳۸۹، دور الشیعه فی الحدیث و الرجال نشأة و تطورا، قم، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
۳۰. سمعانی، عبدالکریم، ۱۴۰۹، ادب الاملاء والاستملاء، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
۳۱. شفیع، سعید، ۱۳۸۸، مکتب حدیثی شیعه در کوفه، تا پایان قرن سوم هجری، قم، دارالحديث.
۳۲. شهیدی، جعفر، ۱۳۶۹، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۳. الصالح، صبحی، ۱۳۶۳، علوم الحدیث و مصطلحه: عرض و درسه، قم، الرضی.
۳۴. ضیف، شوقی، بی تا، تاریخ الادب العربی، قاهره، دارالمعارف.
۳۵. طباطبایی، سید محمد کاظم، ۱۳۸۸، تاریخ حدیث شیعه (۱)، عصر حضور، تهران، دانشکده علوم حدیث.
۳۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰، تاریخ حدیث شیعه (۲)، عصر غیبت، قم، دارالحديث.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۸، اعلام الوری باعلام الهدی (زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام)، ترجمه محمد حسین ساکت، تهران، اساطیر.
۳۸. عسکری، سید مرتضی، بی تا، نگاهی به سرگذشت حدیث، بی جا، روزبه.
۳۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۶، تاریخ حدیث پیامبر، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
۴۰. غلامعلی، مهدی، ۱۳۹۲، تاریخ حدیث شیعه در ماوراءالنهر و بلخ، درآمدی بر مکتب حدیثی خراسان، دفتر اول، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۴۱. القرشی، باقر شریف، ۱۴۱۱، الصحیفة الصادقیة: احدى حلقات حياة الامام الصادق علیه السلام، قم، دارالذخائر للمطبوعات.
۴۲. کریمیان، احمد، ۱۳۹۰، نگاهی به سیره آموزشی رسول خدا صلی الله علیه و آله، قم، بوستان کتاب.
۴۳. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۲۴، اختیار معرفة الرجال، تهران، وزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعة والنشر.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۵۰، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. متقی، علی بن حسام الدین، ۱۴۰۹، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۱۱، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیهم السلام، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴۷. محمودی، محمدباقر، ۱۳۷۶، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.





۴۸. مدیرشانه‌چی، کاظم، ۱۳۷۷، تاریخ حدیث، تهران، سمت.
۴۹. \_\_\_\_\_، بهار ۱۳۷۵، علم الحدیث و درایة الحدیث، چ ۱۱، بی‌جا، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۰. مرتضی‌العاملی، جعفر، ۱۴۲۷، الصحیح من سیرة النبی الاعظم ﷺ، قم، دارالحدیث.
۵۱. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۹، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، چ ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته.
۵۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۲، مجموعه آثار، ج ۱۴، تهران، صدرا.
۵۳. مظفر، محمدحسین، ۱۳۶۸، تاریخ شیعه، ترجمه و نگارش محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵۴. معارف، مجید، ۱۳۷۶، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، چ ۲، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری ضریح.
۵۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۷، تاریخ عمومی حدیث، تهران، کویر.
۵۶. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۶، الشیعه والحاکمون، قم، دارالکتاب الاسلامی.
۵۷. مفید، محمدبن محمد، ۱۳۴۹، الاختصاص، نجف، مکتبه الحیدریه.
۵۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۰ق، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، تهذیب.
۵۹. مقدسی، محمدبن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
۶۰. مؤدب، سیدرضا، ۱۳۸۴، تاریخ حدیث، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۶۱. نجاشی، ۱۴۰۷ق، رجال النجاشی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۶۲. وفایی، مرتضی، ۱۳۸۷، تاریخ حدیث شیعه از آغاز سده چهاردهم هجری تا امروز، قم، دارالحدیث.
۶۳. البوسفی الغروی، محمدهادی، ۱۴۲۴، من تاریخ الحدیث، روایة و کتابه حتی عهد معاویه، قم، مجمع الفکر الاسلامی.